

روزنه

به جای جنگ خیابان‌ها را تمیز کنبد

● یک سال پس از انقلاب «یمن» مردم این کشور همچنان دچار چنددستگی هستند. در این بین، اخیرا اتفاقی در این کشور افتاد که پیرامون یک مساله اجتماعی و مدنی بود و همه را با یکدیگر به وحدت می‌رساند. دعوت شهرداری یمن برای تمیز کردن خیابان‌ها اقدامی جالب توجه در این کشور بود طبق آمارهای شهرداری «صنعا» از بین دو میلیون نفر جمعیت پایتخت یمن حدود ۴۰۰ هزار نفر در این کار شرکت کردند که به نسبت رقم بسیاری بالایی به شمار می‌رفت. شرکت‌کنندگان برای کار خود این شعار را برگزیده بودند که: «با سکوت در ساختن یمن مشارکت کن»این عمل در عین حال که موجب ترغیب مردم به مشارکت در پروژه‌های شهری و عمرانی می‌شد تصویر متفاوتی را از کشوری ارایه داد که در خارج معمولا به صورت سرزمینی بدون قانون توصیف می‌شود. نکته جالب در این کار آن بود که سربازان هم سلاح‌های خود را بر زمین گذاشته و به جای آن جaro دست گرفتند «ساره احمد» خبرنگار «فرانس‌پرس» در گزارش خود چنین نوشته: با دوربین و یک جaro رفتم تا ببینم چه خبر است. باورم نمی‌شد زیرا تعداد شرکت‌کنندگان بسیار زیاد بود. حتی برخی داشتند درخت می‌کاشتنند یا دیوارها را پاکسازی می‌کردند. در کل منظره فوق‌العاده‌ای بود. وی مشاهدات خود را چنین ادامه می‌دهد: برای نخستین بار می‌دیدم که یمنی‌ها برسر یک موضوع مشخص با هم متحد شده‌اند. یعنی برای بهسازی چهره شهرشان. پیش از آنکه علی عبدالله صالح قدرت را ترک کند مردم یمن به طرفداران رژیم و مخالفان تقسیم می‌شدند. یکی از شرکت‌کنندگان در پاکسازی شهر به خبرنگار فرانس‌پرس گفت: این تقسیم بندی‌ها همچنان ادامه دارد اما برنامه امروز توانسته است همه ما را دور هم جمع کند. شهردار صنعا آدم باهوشی است. او تراکت‌هایی را چاپ و پخش کرد که در آن فلان پزشکی یا فلان استاد دانشگاه اعلام کرده بود من در این برنامه شرکت می‌کنم. حتی رهبران احزاب سیاسی گوناگون نیز اعلام کردند در این برنامه شرکت خواهند کرد. یکی دیگر از نکاتی که توجه را جلب کرد این بود که سربازان هم اسلحه‌هایشان را کنار گذاشته و جaro دست گرفتند. آنها هر یک می‌گفتند: من به کشورم افتخار می‌کنم. شهرداری برای شرکت‌کنندگان تعدادی کلاه و دستکش‌های مخصوص و ۳۰۰ هزار جaro تهیه کرده بود. مردمی که مشغول به کار بودند می‌گفتند تا به حال به فکر رفتگرها نبوده‌اند و سختی کار آنها را درک نمی‌کردند. از این رو آنها از شهرداری می‌خواستند حقوق رفتگرها را زیاد کند. آنها می‌گفتند: ما نباید آنها را فراموش می‌کردیم.

منبع:فرانس پرس عربی

چهار سال با وزیر امور خارجه ایالات‌متحده

فراز و فرود «هیلاری کلinton»

ترجمه: محمد علی عسگری

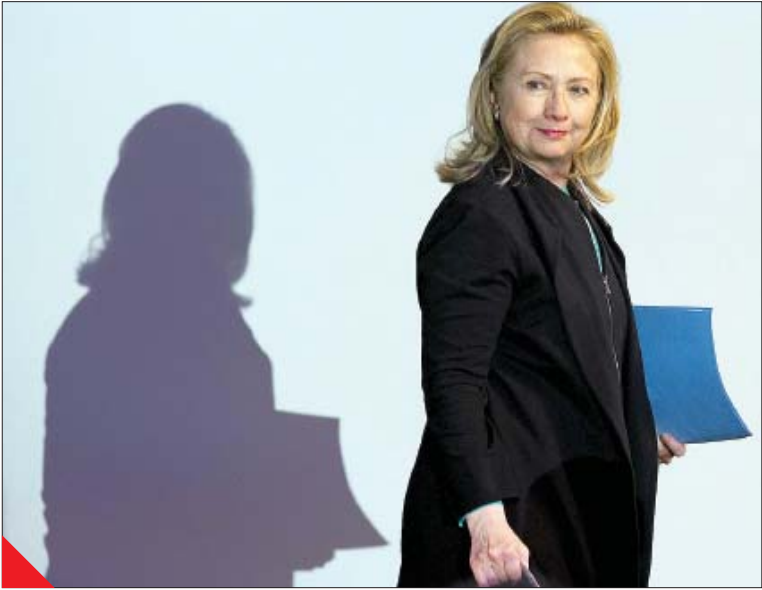
هیلاری کلinton در عرصه سیاست آمریکا دستاوردهایی داشته است که تقریبا کسی مشابه آن را نداشته است. هنگامی که همسرش بیل کلinton فرماندار ایالت آرکانزاس بود هیلاری نقش «هنشی و مشاور و همسر» او را برعهده داشت و چنانچه در یادداشت‌هایش تحت عنوان «تاریخ را زندگی می‌کنم» آمده است، چنین اتفاقی در آن ایالت جنوبی آمریکا تقریبا حادثه‌ای نادر به حساب می‌آمد. هنگامی که همسرش وارد کاخ سفید شد، برای نخستین بار هیلاری در جایگاه مشاور رسمی او نشست. هیلاری برای نخستین بار وقتی همسرش کاخ سفید را ترک کرد، نامزد عضویت در مجلس سنا از ایالت نیویورک شد و در سال ۲۰۰۸ نیز چیزی نمانده بود که نامزد دموکرات‌ها برای ریاست‌جمهوری شود. زیرا در ایالت‌های متعددی شرایط برایش فراهم شده بود اما درنهایت این اوایما بود که بر او چیره شد. چهار سال پیش بود که خیلی‌ها به خاطر قرار گرفتن در راس دیپلماسی خارجی ایالات متحده به او تبریک گفتند و او «دوران جدیدی» را برای آمریکا وعده داد. طی چهارسال گذشته کلinton نزدیک به یک میلیون مایل را پیمود و از ۱۱۲ کشور دیدار کرد. او نزدیک به ۵۰۰ روز را در هواپیما گذراند تا برای نخستین بار وزیر خارجه‌ای باشد که پیش از سایرین در این مقام و حتی بیش از روسای جمهور این کشور سفر کرده است. با این حال وقتی او اعلام کرد دیگر نمی‌خواهد در این مقام باشد، خیلی‌ها را شگفت‌زده کرد. تقریبا غیرقابل باور بود که چنین موقعیتی به دلیل برخی بیماری‌ها نادریده گرفته شود. اما زندگی کلinton پیوسته توام با پیروزی نبود زیرا هنگامی که می‌خواست نخستین رییس‌جمهور زن در تاریخ آمریکا باشد شکست خورد. شاید کلinton برای سال ۲۰۱۶ دوباره نامزد این مقام شود اما شاید هم بیماری اخیرش بر چنین تصمیمی تاثیر گذاشته و او را برای همیشه خائنه‌نشین کند. کلinton کسی بود که با رسوایی‌های همسرش کنار آمد به‌خصوص زمانی که به او همت زدن که می‌دانسته اما نمی‌دانست و بعد که دانست سکوت کرد. همچنین وی را متهم کردند که منافع سیاسی را بر زندگی شخصی‌ا همسرش ترجیح داده یا کسانی او را به سردی در روابط متهم کردند.

یک‌جمهوریخواه

هیلاری رودهام کلinton، در سال ۱۹۴۷ در خانواده‌ای محافظه‌کار در ایالت ایلینویز متولد شد. در زمان دبیرستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هیلاری از جنگ عراق پشتیبانی کرد اما زمانی که در سال ۲۰۰۸ نامزد ریاست‌جمهوری شد گفت اگر پیروز شود تمام سربازان آمریکایی را از عراق و افغانستان فرا می‌خواند. وی پیوسته مدافع اسرائیل بوده. هیلاری کلinton در برابر دولت ایران همواره موضعی منفی داشته است. شعار اصلی او در روابط با روسیه «ریسیت» (شروع از نو) به معنای بازگشت به وضع نخست است. در دوران جورج بوش و وزارت خارجه کاندولیزا رایس روابط واشنگتن و مسکو به شدت آسیب دید. کلinton بیشتر از رایس متمایل به اروپایی‌هاست و چین راهم دوست دارد. برعکس رایس که نسبت به چین نگران بوده کلinton چنین احساسی نداشت.

ویژگی‌های شخصی

از نظر شخصی، برخی خصوصیات هیلاری قابل



عکس Reuters

بیل کلinton سخنرانی مهمی در تایید اوایما کرد. منابع خبری آمریکایی گویند طرحی را که تنظیم‌کنندگان این کنگره داشتند این بود که کلinton افراد مستقل را خطاب قرار دهد. افرادی که گفته می‌شود در آمریکا ۳۰ درصد آرا از آنها خواهد بود. وی به خاطر حضور هشت ساله‌اش در کاخ سفید، توانست این کار را به خوبی انجام دهد. بارها شرکت‌کنندگان در این کنگره با کف زدن‌های ممتد و فریادهای خود سخنان کلinton را قطع کردند،به‌خصوص آنجا که به انتقادات جمهوریخواهان پاسخ می‌داد. در کنگره نامیا (ایالت فلوریدا) نیز کلinton از بخش‌های مختلف کارنامه اوایما دفاع کرد از جمله مسایل مربوط به قانون بهداشت عمومی یا «حیای توان اقتصادی» کشور که بسیار بحث‌برانگیز بود و توانست صنعت خودروسازی آمریکا را بازسازی کند.

کلinton به رغم اینکه تمایل داشت همسرش را که اوایما در رقابت‌های ریاست‌جمهوری شکست داده بود، به معاونت خود برگزیند، از انتخاب جویابین به این مقام نیز به شدت پشتیبانی کرد و گفت «ما باید به جای شعار جمهوریخواهان که می‌گویند هر کس برای خودش، شعار همه باهم را مطرح می‌کنیم» او یک بار در سخنرانی یک ساعت‌گفته: «در مورد مسایل آمریکا از نامزدی فردی که در مقام سنر و لطیف اما در درون گرم و دغ است حمایت‌می‌کنم.»

بیل کلinton یکبار در پاسخ به سوالی که جمهوریخواهان در کنگره‌شان مطرح کرده بودند گفت: آیا تو آلان وضعیت بهتری نسبت به ابتدای دوره اوایما نداری؟ و بعد پشت سر آن یک سوال دیگر را هم مطرح کرد: آیا آمریکا را طبق برنامه اوایما برای فرزندان و نواندگان خود می‌خواهید یا طبق برنامه امنی؟ درعین حال بیل کلinton و همسرش این واقعیت تلخ را می‌دانستند که نامزدی اوایما در مرحله دوم ریاست‌جمهوری‌اش در واقع مانع دستیابی هیلاری کلinton به ریاست‌جمهوری خواهد بود و حتی شاید برای همیشه به این رویا خاتمه دهد. اما هنوز انتخابات برگزار نشده بود که هیلاری کلinton اعلام کرد قصد دارد در ژانویه ۲۰۱۳ از مقام خود در وزارت امور خارجه استعفا کند حال چه اوایما برنده باشد یا به کس دیگری. آن زمان این خبر پرسش‌های زیادی را پیرامون برنامه آینده کلinton مطرح کرد. روزنامه «وال‌استریت ژورنال» نوشت: کلinton درها را بازگذاشته و در صورت پیروزی اوایما دوباره می‌تواند به این مقام برگردد برای همین بسیاری براین باورند که در این مقام خواهد ماند. این روزنامه همچنین نوشت: تحقیقات مستمر درباره کنسولگری آمریکار دربنغازی «یکی از مواضع چالش‌برانگیز» دوران بعدی او خواهد بود. از آنجا که این تحقیقات باید مامها ادامه داشته باشد الزاما کلinton نیز در این مقام باقی خواهد ماند. اما در همان زمان کلinton در پاسخ به سوالی از سوی روزنامه «واشنگتن پست» گفت او دیگر هرگز در مقام وزارت خارجه نخواهد بود. وی افزود: «مهم‌ترین چیز برای من دور شدن از آن تشنج بزرگی است که در آن به‌سر می‌بردم. می‌خواهم به زندگی طبیعی خودم برگردم.» وی اما درباره آن تشنج بزرگ حرفی نزد. اوایما در آن وقت گفته بود امیدوار است که کلinton در مقام خود باقی بماند. اما او «به رغم تمایل من» تصمیم به رفتن گرفته است «با این حال آرزو می‌کنم بماند.» همسرش نیز گفته بود درباره برنامه هیلاری مطمئن نیست و نمی‌داند که او می‌خواهد بماند یا ب‌سود. حتی نمی‌داند که او قصد دارد سال ۲۰۱۶ نامزد شود یا نه. اما می‌داند که او هر تصمیمی بگیرد از وی حمایت خواهد کرد. بیل کلinton افزود: «او خسته است، می‌خواهد مدتی نیرویش را جمع کند و کتابی بنویسد. امیدوارم بتوانیم باهم کار کنیم.»

به هر حال این نکته روشن شده که او دیگر در پست وزارت خارجه نخواهد ماند. اما هنوز یک نکته دیگر روشن نیست و همسرش نیز می‌گوید هیلاری خود تصمیم‌گیرنده است. وقتی از بیل کلinton پرسیده شد آیا همسر خود را برای مقام ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ مناسب می‌بینید گفت: «هرگز ندیدم کسی ادعا کند بهتر از اوست. درعین حال حزب ما شخصیت‌های توانمند زیادی دارد که تمایل داشته باشند رییس‌جمهوری آینده شوند. هر طور که خودش بخواهد. به هر حال من در کنار او خواهم بود. من مطمئن هستم او بهترین گزینه است. من که باید از او تعریف کنم. از آن گذشته حضور او در سنا و در وزارت خارجه نیز ثابت کرد او توانمندی‌های شگفت‌انگیزی دارد.» کلinton درباره سن همسرش البته چیزی نمی‌گوید هرچند هدف اصلی سوال همین بود. زیرا هیلاری کلinton درحال حاضر شصت و پنج سال دارد و در سال ۲۰۱۶ تقریبا هفتاد سال خواهد داشت. بیماری اخیر هم ایهام‌های زیادی را درباره آینده سیاسی او مطرح کرد. با این وصف آیا او می‌تواند یکبار دیگر در چهار سال آینده وارد عرصه سیاست شود؟

منبع:الشرق الاوسط

دربچه

سرز مین تضادها و نقطه‌های خاکستری نخاصم

اردشیر ز ارعی‌قنوتانی

● در سرزمینی با ویژگی‌های افغانستان امروز، هر گونه تحلیل یا گمناه‌زنی نسبت به تحولات آینده بیش از آنچه مبتنی بر یک منطق سیاسی باشد بر واقعیات حوزه می‌دانی، داده‌ها و مستندات آماری، تضادهای قومی-مذهبی، دخالت‌های خارجی، فقر شدید مادی و فرهنگی، فساد دستگاه بوروکراسی حکومت مرکزی و به‌طور کلی عوامل مختل‌کننده استوار است که در چارچوب «سلبی‌وراثشی» عمل می‌کند. وجود بحران در هر نقطه از جهان می‌تواند عوامل متنوع و گوناگونی داشته باشد که به موازات آن بازیگران درونی و بیرونی قادر هستند با تمرکز بر این عوامل بحران‌زا در مسیر یافتن راه‌حل برای بروزِفت از موضوع اقدام کنند. در صورتی که بحران در شرایط آیزوله و فاقد حرکت به سمت تعمیق بیشتر قرار گیرد ارایه راه‌حل نیز دور از دسترس نخواهد بود. بحران افغانستان به لحاظ بتانسیل عینی و ذهنی تعمیق یافتگی و موقعیت مزمن آن با توجه به ساختار سیاسی -اجتماعی فروپاشنده این جامعه و همچنین نقش اخلاقی نیروهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در تشدید آن تا به امروز فاقد بستر لازم جهت مدیریت و کنترل بوده است. تاثیر عوامل ایدئولوژیک، ناسیونالیسم قومی، اقتصاد مبتنی بر تولید و تجارت مواد مخدر و در فاکل‌تر برخورد تضاد عامل بومی در تقابل با عامل نقش آفرین بیرونی که هیچ سنخیتی با فرهنگ قبایلی افغانستان ندارد در کنار دیگر عوامل بحران در غیاب وجود یک «آلترناتیو» ملی، یک تاثیر بازآزنده و گسست وارگی را به موازات هرگونه تلاش جهت حل بحران، ایجاد خواهد کرد. ابعاد زمانی و مکانی محیط بحران در افغانستان که امروز به ۱۲ سالگی خود رسیده است و پشتون‌های دو سوی خط «ورلاند» را به طور ارگانیک به یک همسنجی قومی – مذهبی پیوند می‌زند، به طور مستمر تاکتیک‌های اعمالی جهت حفظ ثبات در چارچوب، استراتژی غیرمتجانس با واقعیات حاکم با محیط بحران را به هرز برده و خشتی می‌کند. با رجوع به فاکتورهای مشخص و تاثیر غیرسازنده آن‌ها در چینش بازل نهایی می‌توان به این نتیجه رسید که هنوز هیچ استراتژی مومن و حساب شده‌ای درخصوص بحران افغانستان ارایه نشده تا به واسطه آن بتوان نسبت به اعمال تاکتیک‌های موضعی و مقطعی چندان امیدوار بود. برنامه خروج نیروهای خارجی تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی نیز با توجه به عدم انسجام در نیروهای نظامی – امنیتی افغانستان که حتی قدرت فراینده طالبان در صورتی که از پیش توافق و مصالحه بزرگ ملی در این کشور به سرانجام نرسیده باشد به دلیل عدم توانایی این نیروها جهت برقراری ثبات، خود می‌تواند به معضل جدیدی برای ی‌تابی بیشتر تلقی شود. واقعیت این است که خروج نیروهای خارجی از افغانستان به خلاف اظهارات امیدوارکننده فرماندهان «ایساف» و ناتو بیش از آنچه ناشی از تحقق‌یافتن ماموریت آنان باشد، ناشی از عقب‌نشینی و رهاشدن از مملکه است که هیچ چشم‌انداز مبتنی برای پیروزی در آن متصور نبوده و زیر فشار افکار عمومی و معضلات اقتصادی دولت‌های غربی حاضر در جنگ افغانستان انجام می‌شود. تلاش‌های کنونی برای سرعت بخشیدن به پروسه طرح صلح، واگذاری بیشتر مسؤولیت امنیتی ولایات ناآرام به ارتش افغانستان، مذاکرات پشت پرده با طالبان، تقویت شتابنده نفرت ارتش ملی تا ۲۵۰هزار سرباز و مهم‌تر از همه شرکت دادن پاکستان در پروسه صلح و لحاظ منافع آنان در آینده افغانستان هر چند به لحاظ تاکتیک‌ی قابل‌توجه است اما به همان دلیل عدم وجود یک استراتژی منسجم و منطق بر محیط بحران، چشمانداز روشنی را ترسیم نمی‌کند. در وضعیت کنونی افغانستان مسائله به جایی نهاده‌بن شدن ایزراه‌های لازم برای شکل‌بخشی به یک دولت ملی و تثبیت ثبات، این عوامل مختل‌کننده و سلبی خواهند بود که نقش بازآرندگی خود را در طی ۱۲سال گذشته تا حدود زیادی نهاده‌بن کرده‌اند. نشست ۲۲و ۲۱ دسامبر بین نمایندگان طالبان، دولت «حامد کرزای» رییس‌جمهوری افغانستان، حزب اسلامی حکمتیار، اپوزیسیون داخلی «جبهه ملی افغانستان» و نمایندگان‌ی از سوی نهادهای مدنی در پاریس هر چند که یک تلاش در جهت درک واقعی‌تر از پروسه صلح تلقی می‌شود اما ارایه شروط طالبان توسط فرستادگان «لامر» نشان داد که تا رسیدن به توافق، هنوز راه درازی باید پیموده شود. از طرف دیگر آزادی ۹تن از رهبران درجه دو طالبان در مرحله اول و اکنون نیز چهارتن از زندانیان سرشناس طالبان توسط پاکستان به درخواست شورای‌عالی صلح افغانستان گویای یک همکاری پشت‌پرده، بین اسلام‌آباد به‌عنوان حامی اصلی طالبان و دولت مرکزی کابل است که این نیز با توجه به تجارب قبلی، تنها یک گام کوچک در این مسیر ناهموار خواهد بود. گزارشات تازه که از سوی بی‌بی‌سی انتشار یافته و نشان می‌دهد که در طول ۱۰سال گذشته از هر ۱۰ ادیلمات مامور در خارج از کشور چهارنفر بعد از پایان ماموریت خود به افغانستان بازنگشته‌اند در کنار دیگر داده‌های این گزارش، گویای این واقعیت است که حتی نزدیکان به حکومت مرکزی نیز امید چندانی به آینده تحولات کشور ندارند. از آنجا که با خروج سربازان خارجی از افغانستان توان مقابله دولت مرکزی با شورشیان طالبان به میزان زیادی کاهش پیدا می‌کند، هم اکنون این سوال مطرح است که در شرایط عدم مصالحه ملی خطر پیروزی طالبان بیش از گذشته امکان‌پذیر است و یا پذیرش مصالحه نیز به جهت شروط طالبان این کشور می‌یاست یا عقب‌نشینی از اصول دموکراتیک مندرج در قانون اساسی به سمت ایجاد یک امارت اسلامی حرکت کند. این معادله که در هر وضعیت آن برای رشد و توسعه افغانستان یک شکست تلقی می‌شود، چشم‌انداز صلح مطلوب و مبتنی بر اصول دموکراتیک و حفظ ثبات در این کشور را بیش از پیش تیره نشان می‌دهد.